

تأثیر تهدیدات مشترک امنیتی بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان

نویسنده: سید نقیب الله هاشمی

جوزای سال ۱۳۹۶

ناشر: تارنمای خراسان زمین

www.khorasanzameen.net

۲ حوت (اسفند) ۱۳۹۷

چکیده

سیر صعودی روند جهانی شدن، مرز داخل و خارج کشورها را از میان برداشته است. موضوع داخلی یک کشور بر دولت های دیگر اثر می گذارد. کشورها در شروع هزاره سوم برای حل مشکلات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مجموعه های منطقه ای ایجاد نمودند. دولت ها اولویت های داخلی و خارجی شان را شناسایی و در مطابقت با کشورهای دیگر عیار می کنند. در نتیجه میان برخی کشورها فرهنگ همیاری و همکاری حاکم گردیده است. اما متأسفانه افغانستان و پاکستان در زمینه انطباق سیاست های داخلی و خارجی شان کوتاهی نموده و در سیاستگذاری داخلی شان منافع یکدیگر را نادیده گرفته اند. در نتیجه فرهنگ تنازع و خصمانه در روابط سیاسی این دو کشور حاکم است. برای تحلیل و تبیین این موضوع، از نظریه وابستگی متقابل امنیتی باری بوزان با تاکید بر امنیت نظامی، کار گرفته شده است. در امنیت نظامی سه بخش؛ ایده دولت، فیزیک دولت و نهاد های دولت مورد تهدید قرار می گیرد.

برای شناسایی معضل روابط خصمانه افغانستان و پاکستان، مفاهیمی مانند تروریسم، نا امنی سرحدات و کشت-قاچاق مواد مخدر را به عنوان تهدیدات مشترک امنیتی از عوامل اساسی بحران دو کشور بررسی نموده و تحت عناوین کوچک تری مثل، جریان های تروریستی، درگیری های شبه نظامی، جنبش های جدایی طلب، راکت پراگنی، رفت و آمدهای غیر قانونی در سرحدات، پول سیاه مواد مخدر، فرماندهان محلی، قاچاقبران مواد مخدر، شبکه های تروریستی، بحث نموده و تاثیرات این موارد، بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان تبیین گردید.

یافته های این پژوهش نشان می دهد، تهدیدات مشترک امنیتی، سه بخش دولت افغانستان و پاکستان را تهدید نموده و این تهدیدات زمینه فرافکنی دولتمردان دو کشور را فراهم، روابط سیاسی را قطع، سرحدات را مسدود و اتهام زنی علیه یکدیگر را افزایش داده است. تا جایکه حتی با میانجگری چین، ترکیه و برخی کشورهای دیگر، روابط سیاسی دو طرف بهبود نیافته است.

کلید واژها: امنیت، وابستگی متقابل امنیتی، روابط سیاسی، افغانستان

مقدمه:

از ایجاد دولت پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، در همسایگی افغانستان، روابط و مناسبات هر دو کشور تاکنون خصمانه و پر تنش بوده است. می توان عوامل زیادی را بر شمرد که بر روابط سیاسی این دو کشور، صدمه وارد نموده است. خط دیورند، بلوچستان و پشتونستان از عوامل تاثیر گذار هستند که روابط این دو کشور را به بحران کشیده اند.

اما بعد از پایان جنگ سرد و سیر صعودی روند جهانی شدن، وضعیت و رویکرد جهان شکل دیگری بخود گرفت، جهان پهناور به یک دهکده کوچک مبدل و دولتها در روابط بین المللی با سرنوشت مشترک دچار گردیدند. حادثه یازدهم سپتامبر در ایالات محده امریکا، این وابستگی را به شدت نمایان ساخت که تهدیدات مشترک، امنیت ملی کشورها را تهدید می نماید. نظریه پردازان روابط بین الملل تاثیر تهدیدات مشترک امنیتی را در بخش های سیاستگذاری امنیتی، سیاست خارجی، دولت سازی، هویت سازی و غیره، نیز مطرح نمودند. با تحولات جدید جهانی، اکنون منازعه تاریخی تنها عامل بحران بر روابط سیاسی افغانستان و پاکستان نیست، بل تهدیدات مشترک امنیتی نیز بر مناسبات سیاسی این دو کشور اثر گذار است. نوشتار حاضر در پی شناسایی تاثیر تهدیدات مشترک امنیتی بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان می باشد.

برای تحلیل و تبیین این موضوع، از چارچوب نظری باری بوزان استفاده گردیده است. بوزان یکی از نظریه پردازان مکتب امنیتی کپنهاگ در سال ۱۹۹۱ میلادی، نظریه وابستگی متقابل امنیتی را مطرح کرد. وی بیان نمود که در جهان پیچیده امروز، کشورها در سیاستگذاری های داخلی شان باید امنیت کشورهای دیگر را نیز در نظر داشته باشند. در غیر این صورت اگر طرح امنیتی جذاب و جالب نیز باشد، در نهایت ناکام و تاثیر ناگوار بر روابط آنان می گذارد. وی دولت را یگانه مرجع امنیت در روابط بین المللی می داند. بوزان امنیت را به پنج بخش؛ نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تقسیم بندی نموده است. با این حال تحقیق حاضر تنها بر بعد امنیت نظامی تحلیل و تبیین می گردد.

باری بوزان در کتاب مردم، دولتها و هراس گفته است، در بعد امنیت نظامی، ایده دولت، پایگاه مادی دولت و نهادهای دولت مورد تهدید قرار می گیرند.

بر اساس این نظریه، تروریسم، نا امنی سرحدات و کشت-قاچاق مواد مخدر بعنوان تهدیدات مشترک امنیتی میان افغانستان و پاکستان در نظر گرفته شده است. در این پژوهش تروریسم تهدید مشترک علیه ایده دولت، نا امنی سرحدات تهدید مشترک علیه پایگاه مادی دولت و کشت و قاچاق مواد مخدر تهدید مشترک علیه نهاد های دولت جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان در نظر گرفته شده و مشخصا روی این سه مورد بحث می گردد. بوزان شاخصه های امنیت نظامی را در مهمترین کتابش که مردم، دولتها و هراس می باشد، شرح داده است. ایدیولوژی های سازمان دهنده، بارزترین نمونه ایده عالی دولت باشند. اینها امکان دارد مثل اسلام یا دموکراسی به شکل جانبداری از یک اصل نسبتا عمومی ظهور کرده و یا مثل جمهوری خواهی یا کمونیسم به دکترین مشخص تری متصل گردند.^۱ مردم و سرزمین از جمله عمده ترین عناصر پایگاه مادی دولت به شمار می رود.^۲ در نهایت، تمام دستگاه حکومت، از جمله سازمانها، مراحل و هنجار های اجرایی، قانون گزاری و اداری یا قضایی که از طریق آنها فعالیت می کند، نهاد های دولت گفته می شود.^۳ با این توضیحات چارچوب بحث حاضر مشخص گردید؛ اسلام و دموکراسی ایده تشکیل دهنده دولت، مردم و سرزمین شکل دهنده پایگاه مادی دولت و قوه مجریه، مقننه و قضاییه نهاد های تشکیل دهنده دولت جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان می باشند که خوشبختانه این دو کشور در این شاخصه ها به حدی کافی مشترک هستند.

مفاهیمی که در این نوشتار بکار رفته، عبارت از امنیت، تهدیدات مشترک امنیتی، روابط سیاسی و افغانستان می باشد. هیچ تعریفی در باره امنیت وجود ندارد که در آن اتفاق نظر باشد، در واقع ماهیت امنیت با پذیرش یک تعریف جامع در تعارض است.^۴ بوزان امنیت را در نبود تهدید در بخشهای نظامی،

^۱-باری، بوزان؛ مردم، دولتها و هراس، مترجم، پژوهشکده مطالعات راهبردی(تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱، 1991)، صص، ۱۰۱- ۱۰۲

^۲-همان، ص، ۱۱۲

^۳-همان، ص، ۱۰۴ و ۱۰۵

^۴-همان، ص، 16.

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تعریف نموده است. هدف از تهدیدات مشترک امنیتی اینست که تهدید و ترس "متقابل" بین دو یا چند دولت در نظام بین الملل وجود دارد. این تهدیدات مشترک میان کشورها، بعنوان وابستگی متقابل امنیتی مطرح است.¹ لذا هدف از تهدیدات مشترک امنیتی در این مهم اینست که میان جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان تهدیدات مشترک امنیتی وجود دارد و این تهدید به عنوان متغیر مستقل بر روابط سیاسی این دو کشور تاثیر می گذارد. کشورهای که با هم روابط سیاسی دارند نظام حاکم یکدیگر را برسمیت شناخته اند.² هدف از مفهوم روابط سیاسی، مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان می باشد که بعد از سال 2001 میلادی، همواره این روابط پرتنش و چالش برانگیز بوده و در عین حال روابط دو کشور برای چندین بار به تعلیق رفته، سرحدات دو کشور بروی شهروندان مسدود و سفرای دو کشور مکررا احضار گردیده اند. جمهوری اسلامی افغانستان از مفاهیم نهایی این تحقیق به شمار میرود که بعد از سرنگونی امارت اسلامی افغانستان، توسط ائتلاف جهانی ضد تروریسم به رهبری امریکا و نیروهای جبهه متحد ملی (مقاومت شمال)، در سال 2001 میلادی، به عنوان نظام سیاسی جدید افغانستان مطرح گردید. بدین اساس هدف از جمهوری اسلامی افغانستان، نظام سیاسی جدیدی است که بر اساس ارزش های اسلام و لیبرال دموکراسی پایه گذاری گردید.

1: جریان های تروریستی تهدید مشترک علیه ایده دولت افغانستان و پاکستان

بعد از آنکه امارت اسلامی افغانستان و دوستان افراطی شان در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده امریکا، در افغانستان نابود گردید. نظام سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان شکل گرفت. طالبان و برخی جریان های دیگر، بر اثر فشارهای نظامی ائتلاف جهانی و نیروی جبهه متحد ملی، در مناطق سرحدی افغانستان و پاکستان مستقر گردیدند، تعداد زیادی این گروه در لست

1 - همان، ص، 219.

2 - محمود، طلوعی؛ فرهنگ جامع سیاسی (تهران، نشر علم، ج 2، 1377)، ص، 58.

سیاه تروریسم جهانی قرار گرفتند. تا اکنون جنگ علیه این جریانها تحت عنوان «مبارزه علیه تروریسم» ادامه دارد. در عین حال این گروه ها مطابق به شریعت اسلامی، جنگ علیه نظامیان امریکایی، ناتو و نیروهای امنیتی افغانستان و پاکستان را مشروع دانسته و جهاد را علیه این نیروها اعلام نمودند. در ذیل به برخی جریانهای که تهدید مشترک علیه ایده دولت افغانستان و پاکستان به شمار می روند، مختصراً بحث می گردد.

1-1. طالبان افغانستان

این گروه در فاصله سالهای ۱۳۷۳-۱۳۸۰ (۱۹۹۴-۲۰۰۲) در خاک افغانستان ظهور و سقوط نمودند.^۱ طالبان پس از تصرف شهرکابل، نام حکومت شان را امارت اسلامی گذاشتند و تشکیلات خود را از طریق رادیو افغانستان اعلان نمودند. کشورهای پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی تنها سه کشوری بودند که طالبان را برسمیت شناختند.^۲ طالبان به جهت اینکه دولت مذکور [مجاهدین] از نظر دینی خلاهایی داشته و نتواسته اند اسلام و یا برداشتی را که آنها از اسلام داشتند پیاده نمایند، در برابرش سلاح برداشتند.^۳ در سال ۲۰۰۱ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه های 1368 و 1373، زمینه ساز سازماندهی حمله نظامی به خاک افغانستان شد.^۴ پس از سقوط حکومت طالبان، با حمایت جامعه جهانی کنفرانس بن 27 نوامبر و 5 دسامبر 2001 میلادی، پایه گذاری نظم نوین سیاسی در افغانستان گردید.^۵ طور که مردم بر خلاف گذشته فعالانه در ایجاد ساختار جدید سهیم شدند. تشکیل اجلاس بن و امضای موافقنامه بن در این زمینه نقش اساسی را ایفا نمود.^۶

1 - «جزوه درسی نگاهی به جنبش های اسلامی معاصر»، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، سال تحصیلی 2011، ص، 35.

2- Web side Stanford University(MAPPING MILITANT ORGANIZATIONS),”the Taliban” July 15, 2016, <http://web.stanford.edu>

3- بشیر احمد، انصاری؛ مذهب طالبان(کابل، 1391)، ص، 31.

4 -سازمند، بهاره؛ سیاست خارجی قدرت های بزرگ(تهران، موسسه فرهنگی و مطالعات تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، 1390)، ص، 190.

5 -محمد موسی، جعفری؛ مدیریت بحران امنیت افغانستان توسط ایالات متحده امریکا و قدرت یابی مجدد طالبان(ایران، دانشگاه تهران، 1391)، ص، 56.

6 - زکیه، عادل؛ شورای امنیت ملل متحد و تحولات افغانستان از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی سابق تا اولین انتخابات ریاست جمهوری(تهران، عرفان، 1387)، صص، 179، 180.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان بعد از تصویب لوی جرگه و با توشیح رییس جمهور کرزی به مرحله اجرا گذاشته شد. از اینجاست که تهدیدات طالبان علیه عناصر تشکیل دهنده ایده دولت افغانستان، که شامل توافقنامه بن، دموکراسی، اسلام میانه، قانون اساسی، حاکمیت و قوانین نافذ می باشند، آغاز گردید.

طالبان تنها قانون اساسی را قرآن میدانست، همچنین اهمیت به ساختار نظام جدید بین الملل نمیداد. آزادی، حقوق بشر، مشارکت سیاسی، انتخابات، احزاب، حمایت از حقوق زنان، برابری شهروندان برای طالبان نا شناخته بود. گفتمان طالبان امارت اسلامی را با الگوی خلفای راشدین بدور از ساختار سیاسی پیچیده و عصری طراحی می کند. تطبیق و اجرای شریعت هدف اصلی طالبان می باشد.¹ طالبان که در اواخر سال 2001 میلادی از صحنه سیاسی افغانستان حذف گردیدند، به تدریج بعد از پنج سال دو باره با استفاده از شیوه های جدید مبارزاتی نظیر حملات تهاجمی، انتحاری و انفجاری به عرصه تحولات افغانستان بازگشت نمودند.² طی چند روز که شروع آن ۱۸ ماه می بود، طالبان حملات خود را در چهار ولایت جنوبی، با استفاده از یک هزار جنگجو گسترش داده و با تسخیر قریه جات، خود را در نزدیکی قندهار رساندند. دادالله مدعی شد که با در اختیار داشتن دوازده هزار طالب مسلح، کنترل بیست ولسوالی در جنوب را در دست دارد.³ طالبان در بسیاری از مناطق توانسته اند، افراد و گروه های خشن، محروم شده از حقوق اجتماعی و به حاشیه رانده شده را جذب خود کنند، که از سیستم ناکار آمدی دولت کابل برای نظارت بر ولایتهای مرزی بیزار هستند. معمولاً اولین کسانی که به طالبان می پیوندند، گروه ها و افراد به حاشیه رانده شده ای مثل جنایتکاران خرده پا، راهزنان و جوانان بی کار هستند. با توجه به خروج اغلب نیروهای خارجی از افغانستان و کاهش

¹ - سید عبدالقیوم، سجادی؛ گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پساتالبان، پیشین، ص، 328.
² - احمد، مهربان، «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»، فصلنامه راهبرد، شماره 48، خزان، 1387، صص، 33، 37.

³ - احمد، رشید؛ سقوط در هرج و مرج، ایالات متحده و شکست ملت سازی در پاکستان، افغانستان و آسیای میانه، مترجم، حسن رضایی (کابل، شرکت کتاب شاه محمد، 1389)، ص، 349.

مشارکت شان در این کشور، به نظر میرسد طالبان در پی آنند تا هدف اصلی شان را که تبدیل افغانستان به یک کشور اسلامی با معیار های طالبانی است، پی گیری کند.^۱

در نهایت این گروه از زمان ایجاد جمهوری اسلامی افغانستان و حذف امارت اسلامی افغانستان، موجودیت دولت جدید را تهدید نموده و خواهان استقرار امارت اسلامی در افغانستان هستند. طالبان با این انگیزه طی بیش از شانزده سال، تهدیدات گوناگون را علیه ایده دولت جمهوری اسلامی افغانستان روا دیدند. در عین حال این گروه در همکاری نزدیک با جریانهای افراطی پاکستان، از جمله تحریک طالبان پاکستانی، توانسته است ایده دولت جمهوری اسلامی پاکستان را نیز مورد تهدید قرار دهد.

2-1. تحریک طالبان پاکستان

جنبش طالبان پاکستان یک سازمان فراگیر از گروه های شبه نظامی اسلامگرا است که در شمال غرب پاکستان، در مناطق قبیله ای فدرال، در طول مرز افغانستان و پاکستان مستقر هستند.^۲ این تحریک در فهرست رسمی گروه های تروریستی وزارت خارجه امریکا قرار دارد. بریتانیا و کانادا نیز تحریک طالبان پاکستان را گروه تروریستی میدانند.^۳ این تحریک با سازمان های تروریستی مانند القاعده، لشکر اسلام، حرکت جهاد اسلامی، تحریک نفاذ شریعت محمدی و طالبان افغانستان، ارتباط و همکاری نزدیک دارد. اهداف این تحریک مقاومت در برابر حکومت پاکستان، برای انفاذ شریعت با تعبیر خود شان و جنگ با قوای تحت رهبری ناتو در افغانستان، بیان گردیده است.^۴ این جریان در بسیاری از موارد، دولت پاکستان را همکار و شریک جرم امریکایی ها دانسته و حملات خود را در سراسر پاکستان، گسترش دادند. در چنین شرایطی بود که اسلام آباد، مجبور به امضای موافقتنامه [اجازه دادن حکومت، برای اجرایی قوانین شریعت در بخشی از پاکستان] با تحریک طالبان گردید و خود مختاری آنها را در دره ی "سوات" که به بهشت پاکستان منسوب است، به رسمیت شناخت. در پی این اقدام دولت پاکستان، از یکطرف امریکا و

¹ - جزوه درسی نگاهی به جنبش های اسلامی معاصر، پیشین، ص، 40

² - دانشنامه آزاد ویکی پدیا، <https://fa.wikipedia.org>

³ - سعزیز، حکیمی، «چرا طالبان پاکستان تروریست و طالبان افغانستان تروریست نیستند؟»، خبرگزاری شفقنا افغانستان

www.afghanistan.shafaqna.com

⁴ - عبدالقادر، عالم خیل؛ نگاهی به پاکستان (کابل، مرکز مطالعات استراتژییک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، 1390)، ص 241

کشورهای غربی ابراز نگرانی نمودند و از طرف دیگر، شبه نظامیان طالبان حوزه قدرت خود را به منطقه "بولز" درحاشیه ی سوات گسترش دادند و در برخی مناطق دیگر نیز دست به حملات ضد دولتی زدند.^۱

مسئله اصلی جنبش طالبان پاکستانی، مبارزه با سیستم قضایی پاکستان است. صوفی محمد، رهبر طالبان محلی سوات، چند روز پس از حاکمیت بر دره سوات، درسرخانی دادگاه های پاکستان را "بت خانه" و سیستم دادگستری این کشور را "کفر آمیز" خواند. از نگاه طالبان پاکستان، دادگاه های پاکستان هیچ حکمی بر اساس قانون اسلامی صادر نمی شود.^۲ در پنجم آپریل ۲۰۰۹ آصف علی زرداری رییس جمهور پاکستان در ملاقات با ریچارت هولبروک، نماینده خاص اسبق رییس جمهوری امریکا در امور پاکستان و افغانستان و مایک مولن رییس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده، در اسلام آباد، گفت که پاکستان برای بقای خود مبارزه میکند و دولت وی هرگز تسلیم فشار از سوی عناصر تندرو نخواهند شد.^۳

3-1. سپاه صحابه

این گروه تروریستی در ششم سپتامبر 1985 در شهرجنگ از توابع ایالت پنجاب به وسیله مولانا حق نواز جنگوی، تاسیس شد. یکی از مهمترین درخواستهای سپاه صحابه، از حکومت پاکستان این بود که بطور رسمی اعلام کند که پاکستان کشور مسلمانان سنی است. رهبران این جریان نسبت به اهداف و انگیزه تشکیل سپاه صحابه گفته بود: «در شرایطی که شیعیان از لحاظ سیاسی و مذهبی در پاکستان در حال گسترش و پیشرفت بودند، شکل گیری یک گروه بعنوان واکنش در برابر آنها امر طبیعی بود». پس از کشته شدن مولانا اعظم طارق و ممنوع فعالیت شدن سپاه صحابه، حیدری سازمان دیگری به نام اهل السنه و الجماعه را پایه گذاری کرد. شهرهای سیالکوت، گوجرانواله، سرگودها، فیصل آباد و جنگ از

^۱ - همان، صص، 142 ، 143.

^۲ -نوذ، شفیع، زهرا ثالثی و اقدس اقبال، «بستره و زمینه های موثر در تکوین و گسترش طالبان پاکستانی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره هفتم، سال سوم، ۱۳۸۹، ص، ۱۸۹.

^۳ -عبدلقدار عالم خیل، پیشین، ص، 262.

مراکز عمده سپاه صحابه بشمار می روند.^۱ نام «سپاه صحابه» یاد آور خشونت های عجیب و کشت و کشتارهای بی رحمانه حتی در مساجد و به نماز گزاران می باشد. در آگوست ۲۰۱۴ مصادف با ماه اسد سال ۱۳۹۳ بود که اورنگزیب فاروقی رهبر سپاه صحابه در کراچی رسماً حمایت خود از ابوبکر بغدادی اعلام نموده و به عضویت گروه داعش درآمد.^۲

1-4. لشکر طیبه

این گروه چریکی در سال 1980 میلادی به منظور جنگ علیه شوروی سابق در افغانستان ایجاد گردید. عبدالله عزام و اسامه بن لادن از جمله بنیانگذاران این گروه محسوب می شوند. فلسفه این گروه مشابه به پان اسلامیت ها است که خواهان ایجاد خلافت اسلامی در آسیای جنوبی هستند. این گروه در اعلامیه رسمی، خواهان فتح اروپا شده اند. آنها صحبت از این میکنند که یک زمان اروپا زیر اثر مسلمانان بود، ولی در اثر جنگهای صلیبی، توسط عیسویان غصب شد. لشکر طیبه بعنوان یکی از مهم ترین گروه های تروریستی پاکستان، در صدد تقویت گروه های بنیادگرای مذهبی است تا از آنها به عنوان مخالفان سرسخت ظهور جنبشهای دموکراتیک و غیر نظامی استفاده کند. این تشکیلات تروریستی نه تنها ثبات پاکستان و افغانستان، بل امنیت منطقه را نیز تهدید نموده اند.^۳

1-5. لشکر جنگوی

لشکر جنگوی یکی دیگر از گروه های تروریستی پاکستان است که عده زیادی از آن به عنوان جانشین القاعده در پاکستان یاد می کنند.^۴ برخی از کشورهای جهان از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و هند و نیز سازمان ملل متحد این گروه را سازمان تروریستی ارزیابی کرده و غیر قانونی میدانند. نام این گروه در لست سیاه سازمان های تروریستی کانادا و ایالات متحده آمریکا و استرالیا است. این گروه مسوول حملات و بمبگذاری های متعددی بوده که به کشته شدن صدها افراد در پاکستان انجامیده است. طبق

^۱ -خبرگزاری فارس، «نگاهی به گروه های تروریستی پاکستان در وزیرستان جنوبی»، گروه دفاتر منطقه ای فارس، حوزه پاکستان، 1394/4/29

<http://www.farsnews.com>

^۲ - خبرگزاری مهر نیوز، «آشنایی با سپاه صحابه»، ۱۳ جدی ۱۳۹۴ <http://www.mehrnews.com>

^۳ - پیشین، خبرگزاری فارس، «نگاهی به گروه های تروریستی پاکستان در وزیرستان جنوبی».

^۴ - همان.

آخرین آمار این گروه تا به حال ۳۵۰ حمله تروریستی بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ در افغانستان- پاکستان، انجام داده اند. حملات انتحاری عاشورای سال ۲۰۱۱ در کابل و مزارشریف را نیز همین گروه به عهده گرفتند.^۱

سرانجام دولت پاکستان در سال ۲۰۰۲ این حزب را به دلیل مشارکت در اقدامات نظامی علیه حکومت، غیر قانونی اعلام کرد. اما شمار حملات به شیعیان و حکومت این کشور، بطور بی سابقه ای افزایش یافت.^۲ آمارهای رسمی نشان میدهد که در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ میلادی، تنها در منطقه بلوچستان، حداقل ۷۵۸ نفر از شیعیان هزاره در حملات تروریستی این گروه کشته شده اند. در ماه جوزای سال ۱۳۹۴ بود که لشکر جنگوی با داعش اعلام بیعت نمود.^۳

6-1. تحریک نفاذ شریعت محمدی

جریان تحریک نفاذ شریعت محمدی در اوایل دهه 1990 میلادی در منطقه سوات، به رهبری مولانا صوفی محمد، پیرو مکتب سلفی و از اعضای فعال جماعت اسلامی، با هدف اسلامی کردن دادگاه های محلی به وجود آمد. هدف این گروه اجرای شریعت اسلامی در پاکستان است. این جریان موفق شد از اواسط دهه 1990 میلادی، نسخه ای از نظام حقوقی مبتنی بر شریعت را در این ناحیه [سوات] به اجرا در آورند. طبق اعتقاد این گروه، پاکستان نیز باید به شیوه حکومت طالبان [امارت اسلامی] اداره شود.^۴ مولانا صوفی محمد در سال 2001 پس از حمله آمریکا به افغانستان، فتوای جهاد علیه آمریکا را صادر و با ده هزار جنگجوی جوان کم تجربه، جهت کمک به طالبان از مرز گذشت و به همکاری با طالبان افغانستان پرداخت.^۵ بعد از دستگیری وی، دامادش مولانا فضل الله معروف به ملا رادیو، هدایت تحریک نفاذ شریعت محمدی را بر عهده گرفت.

1 - دانشنامه آزاد ویکی پدیا، «لشکر جنگوی»، ۲۶ جون ۲۰۱۶ <https://fa.wikipedia.org>

2 - همان.

3 - وب سایت عصر دیپلماسی، «آشنایی با لشکر جنگوی»، ۱۹، ۱۰، ۱۳۹۴ <http://asrdiplomacy.ir>

4 - مهدی، فرمانیان؛ پراکنده سلفی گری و وهابیت در جهان اسلام (قم، موسسه مطالعات بنیان دینی، 1393)، ص 58.

5- خبرگزاری فارس نیوز، «نگاهی به گروه های تروریستی پاکستان در وزیرستان جنوبی»، گروه دفاتر منطقه ای فارس، حوزه پاکستان،

<http://www.farsnews.com> ۱۳۹۴/4/29

مولانا فضل الله، از طریق ایستگاه رادیویی خود، اجرای دستورات شریعت، تعطیلی مدارس دخترانه، بسیج نیروها برای کمک به طالبان در افغانستان را ضروری اعلام نمود.^۱ وی از این رادیو، مردم را جهت حمله به نیروهای امنیتی تحریک می کرد. سایر اعمال او عبارت بود از مخالفت با واکسیناسیون فلج اطفال، مخالفت با تحصیل دختران و تلاش برای ایجاد یک حکومت اسلامی در منطقه ای سوات، افغانستان و پاکستان بود.^۲

7-1. لشکر ذل

حامیان القاعده در وزیرستان جنوبی یا لشکر ذل، برای اولین بار قبيله محسود در سال 2002 میلادی، نیروی به نام لشکر ذل در وزیرستان جنوبی به وجود آورد. این گروه که در واقع تحت نظر القاعده فعالیت می کرد، بیش از 150 کمپ آموزشی در این منطقه احداث و با آموزش جنگجویان عرب و آسیای میانه تعداد نیروهای خود را به بیش از 10 هزار نفر رساند. گروه های تروریستی مختلفی شامل طالبان پاکستان، لشکر اسلام و تحریک نفاذ شریعت محمدی گروه هایی هستند که بعد ها از لشکر ذل مشتق شدند. جنگجویان لشکر ذل بعد از مدتی با انتقاد از شرکت پاکستان در جنگ مبارزه با تروریسم آمریکا علیه این کشور وارد عمل شدند. پاکستان در سال 2004 میلادی، به عنوان متحد آمریکا در مبارزه با تروریسم با اعزام ارتش به وزیرستان جنوبی و انجام یک عملیات گسترده سعی کرد لشکر ذل را در این منطقه پاکسازی کند. در سال 2005 و 2006 میلادی، نیز ارتش پاکستان دو باره برای پاکسازی وزیرستان جنوبی وارد عمل شد. آمریکا نیز با انجام عملیات های گسترده در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان که تا ولایت کنر ادامه داشت تلاش کرد، حامیان القاعده را پاکسازی کند.^۳

8-1. شبکه حقانی

شبکه حقانی از ماهر ترین و مرموز ترین گروه های تروریستی به شمار میرود که حوزه عملیاتی آن جنوب افغانستان و شمال پاکستان، به ویژه مناطق مرزی پکتیا و خوست می باشد. شبکه حقانی از دهه

¹ - مهدی، فرمانیان، پیشین، ص 58.

² - آرمان محمودیان، «پایان رفاقت و آغاز خصومت»، وب سایت روزنامه شرق، ۱۳۹۴ <http://sharghdaily.ir>

³ - خبرگزاری فارس نیوز، «نگاهی به گروه های تروریستی پاکستان در وزیرستان جنوبی»، پیشین.

1980، و هم زمان با اشغال افغانستان از سوی شوروی با حمایت های خارجی، به رهبری جلال الدین حقانی شکل گرفت که تا زمان انجام حملات 11 سپتامبر 2001 مورد حمایت های آمریکا بود. اولین رهبر این گروه «جلال الدین حقانی» از رهبران مجاهدین افغان بود. پس از او رهبری گروه به پسر ارشدش، سراج الدین حقانی منتقل شد. شبکه حقانی بر نظام قبیله ای مبتنی است و رهبران این شبکه از قبیله «زدران»، قوم پشتون ساکن ولایت پکتیا هستند. مولوی جلال الدین حقانی از متحدان طالبان بود و پست های همچون فرماندهی طالبان در شمال کابل، وزیر مناطق مرزی و امور قبایلی را بر عهده داشت.¹

اوج قدرت این گروه پس از اشغال افغانستان از حدود دو سال پیش نمایان شد، به طور که سه حمله عمده علیه منافع غرب و ناتو در افغانستان به انجام رسانده است. حمله همزمان به چند هدف مهم در شهر کابل؛ حمله به هتل «اینترکنتیننتال» کابل، حمله به سفارت آمریکا در کابل و حمله به پایگاه «بگرام» در افغانستان رخ داده که این حملات کمتر از دو هفته پس از انتشار خبر مرگ بن لادن به دست نیروهای ویژه آمریکایی، رخ داد.² بر اساس گزارش وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، شبکه حقانی به یک نحله بسیار خطرناک شورشگری مبدل شده است. مطابق به این گزارش، شبکه حقانی قابلیت و راه اندازی حملات چشمگیر و پیچیده علیه دولت افغانستان و ائتلاف بین المللی را دارد.³

9-1. شبکه القاعده

این سازمان در قالب شبکه های نظامی گوناگون فراملی و به عنوان یک جنبش رادیکال اسلام سنی فعالیت میکند. هدف خود را مبارزه با دخالت های غیر مسلمانان بر دنیای اسلام و گسترش اسلام در جهان اعلام نموده اند. این سازمان در فهرست سازمان های تروریستی بسیاری از دولتها و سازمان های بین المللی از جمله شورای امنیت ملل متحد، ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده قرار گرفته است. القاعده حملات

¹ - همان.

² - همان.

³ - مالک ایوب سمبل و رسول رحیم، «مدارس پاکستانی، تهدید بزرگ امنیتی برای افغانستان»، خبرگزاری دویچه وله در، 2014

متعدد را علیه اهداف نظامی و غیرنظامی در کشورهای مختلف انجام داده اند. حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا از مهمترین این حملات به شمار می رود.^۱

به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری میزان به نقل از خبرگزاری «افق»، وزارت داخله آمریکا اعلام کرد: شبکه تروریستی القاعده مجدداً اقدامات تروریستی خود را در افغانستان و پاکستان شروع کرده است. این گروه تروریستی برای منطقه و جهان یک تهدید جدی بشمار میرود.^۲ از سال 2007 میلادی، که گروه‌های تروریستی رهبران سیاسی، نظامی، پولیس و قبیله‌یی، اقلیت شیعه و مدارس را در پاکستان و افغانستان هدف قرار داده اند، خشونت در این دو کشور افزایش یافته است.^۳

10-1. داعش

حکومت اسلامی عراق و شام به عربی (الدولة الإسلامية في العراق و الشام) با نام اختصاری داعش، یک گروه ستیزه جوی و جهادگرای سلفی است که پیروی یک آموزه بنیادگرای وهابی از اسلام سنی است. این گروه که از جنوری ۲۰۱۴ میلادی، ادعای خلافت جهانی کرده و خود را حکومت اسلامی مینامد. آنها علاوه بر عراق و سوریه بخش‌های از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند و گروه‌های هم پیمان آن در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و پاکستان نیز فعال هستند. فردی بنام ملا عبدالرووف خادم رهبر شورشیان داعش در افغانستان لقب گرفت که پس از مدتی فعالیت نیمه آشکار در مناطق جنوبی افغانستان کشته شد.^۴ در آستانه سال ۲۰۱۴ میلادی، این گروه در افغانستان با نام شاخه خراسان اعلام وجود کرد.^۵ برخی از اعضای گروه طالبان، حزب اسلامی حکمتیار و دیگر گروه‌های تروریستی منطقه ای در افغانستان و پاکستان، با این گروه بیعت نمودند. با همه این مسایل حکومت کرزی از موجودیت این گروه انکار می کرد. در نهایت در سال 2015 میلادی، فعالیت‌های داعش در افغانستان بیشتر شد.

¹ - دانشنامه آزاد ویکی پیدیا، «القاعده»، <https://fa.wikipedia.org>

² - خبرگزاری بی بی سی فارسی، «پراکندگی فعالیت‌های شبکه القاعده در جهان»، 10 اگوست 2013 - 19 اسد 1392 <http://www.bbc.com>

³ - روزنامه ماندگار، «تغییر چهره تروریسم: نسل جدید تروریست‌های پاکستان»، سال پنجم، شماره 1178، 11 قوس 1392، 2 دسمبر 2013.

⁴ - دانشنامه آزاد ویکی پیدیا، «داعش»، 29 مارچ 2017 <https://fa.wikipedia.org>

⁵ - محمد، محق، «داعش در افغانستان چه می کند؟»، خبرگزاری بی بی سی فارسی، 23 جنوری 2017 / 4 حوت 1395 <http://www.bbc.com>

حکومت وحدت ملی حضور این گروه را در ولایتهای ننگرهار، نیمروز، بدخشان و پکتیکا رسماً پذیرفت. در ابتدای سال 2017 میلادی، این گروه با فعالیت های ضد دولتی در افغانستان و پاکستان، نگرانی های زیادی را میان مردم به وجود آورد. آنان در اعلامیه شان قوانین، ارزشهای ملی و بین المللی و حاکمیت دولتهای افغانستان و پاکستان را رد نموده و خواهان خلافت اسلامی در این دو قلمرو گردیدند.

2: نا امنی سرحدات تهدید مشترک علیه پایگاه مادی دولت افغانستان و پاکستان

افغانستان از مدت ها بدین سو سرحدات نا امنی داشته و این نا امنی ها بیشتر در نوار مرزی میان افغانستان و پاکستان صورت گرفته است. با ایجاد جمهوری اسلامی افغانستان نا امنی ها در این سرحدات افزایش یافته است. در این مبحث رفت و آمدهای غیر قانونی، نبردهای نظامی، تجاوزات ارضی، جنبش های جدایی طلب بلوچ و پشتون از عوامل اساسی نا امنی سرحدات به حساب می آید که تاثیرات نا گواری بر روابط دو کشور گذاشته است. بر اساس رویکرد این تحقیق، نا امنی ها به طور مستقیم پایگاه مادی دولت افغانستان و پاکستان را تهدید و یا به چالش کشیده است.

این نا امنی ها، سرزمین و جمعیت افغانستان و پاکستان را بطور جدی تهدید نموده است. طرح و برنامه های حملات تروریستی و هراس افگنی که در شهرهای افغانستان و پاکستان اتفاق می افتاده، در سرحدات این دو کشور طراحی و توسط افراد این مناطق تطبیق می گردد. حمله بر مدرسه نظامی پشاور و حمله بر زیارتگاه شاه قلندر در کراچی پاکستان، انفجار در ساحه شاه شهید کابل و انفجار در مراسم عاشورا در ساحه زیارتگاه ابولفضل که سبب کشته و زخمی شدن صدها تن گردید، توسط ساکنان این مناطق به راه انداخته شده بود. در طول هفده سال گذشته تهدیدات زیادی علیه سرزمین و جمعیت افغانستان و پاکستان وجود داشته که ریشه آن به نا امنی سرحدات بر می گردد.

2-1. رفت و آمد های غیر قانونی

عبور و مرور گروه های هراس افکن، رهبران گروه های افراطی ضد دولت، مهاجرت های گروهی غیر قانونی، قاچاقبران مواد مخدر، باندهای مافیایی و افراد غیر مسوول، در سرحدات افغانستان و پاکستان، به طور آزادانه رفت و آمد می کنند. بدون شک این گونه رفت و آمدها، در سرحدات هیچ کشوری معمول نیست، اما در سرحدات افغانستان و پاکستان به یک روند کلیشه مبدل گردیده است. در عین حال افغانستان و پاکستان، به این امر مهم توجه جدی نشان نداده اند. با درک این مسأله به برخی از این تهدیدات اشاره می نمایم.

2-1-1. مهاجرت

در پانزدهم ماه جون ۲۰۱۴ اردوی پاکستان در پی فشارهای جامعه بین المللی عملیات ضد تروریستی را در وزیرستان شمالی راه اندازی کرد. پس از آن شمار زیادی از باشندگان این منطقه به ولایت های خوست و پکتیکا در افغانستان فرار کردند. بر اساس آمار ارایه شده توسط مقامات محلی، شمار مهاجران پاکستانی تنها در خوست نزدیک به سی هزار خانواده و در ولایت پکتیکا به بیش از پنج هزار خانواده مهاجر گردیده است.^۱ بر اساس گفته های مقامات محلی این ولایت ها، برخی از این مهاجرین با گروه داعش پیوسته و دولت افغانستان و پاکستان را مورد تهدید قرار داده اند.

پاکستان سال ها است که با اقدام عملیات نظامی، در صدد اخراج قبایل شورشیان، به خاک افغانستان است و حکومت افغانستان با تفکر پشتون بودن آنان و ابزار برای انحصار طلبی، همواره پذیرایی قبيله های جنگجوی پشتون در خاک افغانستان بوده اند.^۲ سرتاج عزیز مشاور نخست وزیر پاکستان در امور خارجی و امنیت ملی، در گفتگو با تلویزیون محلی در پاکستان گفت که دولت میخواهد رفت و آمدهای غیرقانونی مرزی باید، پایان یابد. وی اظهار کرد که کمپ های مهاجران افغان در پاکستان به پناهگاه های امن تروریستان و مسأله امنیتی تبدیل شده اند و پاکستان این موضوع را به طور جدی دنبال می کند.^۳

1 - خبرگزاری دویچه وله در، «تنش سیاسی و فشار بر مهاجران افغان و پاکستانی»، <http://www.dw.com> 2016/8/19

2 - شبکه اطلاع رسانی افغانستان، «قبایل رانده شده پاکستان در آغوش حکومت!»، <http://www.afghanpaper.com> ۱۳۹۵/۹/۱۱

3 - خبرگزاری رها، «مهاجران و ناامنی پاکستان»، 22 سرطان 1395 <http://rahapress.af>

وزارت داخله پاکستان گفته است اسناد را در دست دارند که گروه داعش از کمپ های مهاجران افغان در خاک این کشور سربازگیری می کند. مقام های وزارت مهاجرین و عودت کنندگان افغانستان ضمن اینکه جلوگیری از این عمل را مسوولیت حکومت پاکستان می دانند، تاکید می کند که اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد، حکومت پاکستان می تواند با در نظر داشت قوانین حقوق بشری در زمینه اقدام نماید.^۱

2-1-2. شورشیان

به گفته مقام های امنیتی ولایت کنر حدود ۴۰۰ شورشی صبح امروز (6 اسد 1394) بر ولسوالی مروره آن ولایت یورش برده اند. جنرال عبدالحبیب سیدخیلی به صدای امریکا گفت که تا اکنون ۱۲ شورشی به شمول یک فرمانده طالبان پاکستانی کشته و هفت شورشی دیگر زخمی شده اند. او افزود که چهار پولیس و پنج غیر نظامی افغان نیز در این حمله زخمی شدند. مقام های افغانستان همواره از پاکستان انتقاد دارند که جلو تردد تندروان را در امتداد خط دیورند نمی گیرند، تندروانی که از مراکز قبایلی پاکستان تمویل و تجهیز گردیده، حملات مرگباری را در افغانستان راه اندازی می کنند.^۲

نظامیان پاکستانی زیر نام حمله بر پناهگاه های طالبان پاکستانی در وزیرستان، ترفند تازه را آغاز نموده است و به این بهانه صدها سرباز پاکستانی در لباس طالبان، وارد افغانستان شده و جنگ شدیدی را در هلمند به راه اندخته اند. از همین رو بود که طالبان مسلح با اشاره نظامیان پاکستانی، پس از عملیات در وزیرستان، حمله بر افغانستان را شدت بخشید و با عبور از سرحد، پنج ولسوالی را مورد در ولایت هلمند تصرف نمودند. چند روزی نگذشته بود که نیروهای نظامی افغانستان توانستند، ولسوالی های سنگین، نوزاد، کجکی و موسی قلعه را از وجود شورشیان آزاد کنند.^۳

^۱ - خبرگزاری میوند، «داعش از مهاجران افغان در پاکستان سربازگیری می کند»، 13 جدی 1394 <http://www.maiwandtv.com>

^۲ - وب سایت خبرگزاری آریانا نیوز، «هیات افغان برای بحث در مورد مسایل مرزی به پاکستان رفت»، 6 اسد 1394،

<http://www.darinews.com>

^۳ - خبرگزاری آرمان ملی، «نظامیان پاکستانی در عقب حمله طالبان در افغانستان و هجوم داعش به عراق قرار دارند»، ۲۰۱۴

<http://armanemili.com>

به گفته سخنگوی ارتش پاکستان، بیش از سه صد عضو گروه داعش از جمله فرمانده ارشد این گروه را بازداشت کرده اند. وی افزوده این گروه ها از کشورهای سوریه، عراق و افغانستان داخل پاکستان شده اند. عاصم بجوا سلیم سخنگوی ارتش پاکستان گفت: "داعش قصد ورود به پاکستان را دارد. قصد حمله به مناطق حساس پایتخت، برخی سفارت خانه ها، وزارت های داخله و خارجه و میدان هوایی این کشور را داشته اند، اما پلان های آنان خنثی گردید.^۱

3-1-2. قاچاقبران مواد مخدر

رفت و آمد قاچاقبران مواد مخدر و باندهای مافیایی مواد مخدر در سرحدات افغانستان و پاکستان، سبب تهدید جدی علیه پایگاه مادی دولت افغانستان-پاکستان گردیده است. گزارش های ملی و بین المللی نشان می دهد که افغانستان در صدر فهرست تولید کنندگان مواد مخدر جهان و پاکستان نیز در صدر جدول ترانزیت قاچاق مواد مخدر دنیا قرار گرفته اند. مواد مخدر افغانستان و پاکستان را از نگاه روحی و روانی نابود کرده و روز به روز شمار معتادین در این دو کشور رو به افزایش است. این خود تهدید جدی علیه پایگاه مادی دولت در بخش جمعیت را نشان می دهد که شیرازه جمعیت این دو کشور را به نابودی سوق داده است.

در عین حال عبور و مرور باندهای مافیایی و قاچاقبران مواد مخدر در نوار مرزی، سبب تقویت تروریسم، جدایی طلبان، مخالفان دولت و ادامه حیات آنان و تداوم تهدید علیه فیزیک دولت افغانستان و پاکستان گردیده است. همچنان این دو کشور را از لحاظ هویتی و حیثیتی در جهان بی اعتبار ساخته است. این خود نوع تهدید سرزمینی به شمار میرود. در مورد تهدیدات مواد مخدر، قاچاقبران و مافیای مواد مخدر در عنوان بعدی بحث مفصل صورت می گیرد.

¹ - وبسایت خبرگزاری تلویزیون راه فردا، «پاکستان در امتداد خط مرزی مشترک با افغانستان، پوسته های بازرسی و امنیتی ایجاد می کند»، ۱۳

2-2. نبرد های نظامی

بوزان جنگ های نظامی و شبه نظامی را یکی دیگر از عوامل تهدید سرزمین و جمعیت می کند. بر این اساس نبردهای نظامی مانند درگیری های سرحدی، راکت پراگنی ها و جنگهای شبه نظامیان در سرحدات افغانستان و پاکستان، سبب گردیده است که سرزمین و جمعیت این دو کشور مورد تهدید قرار گیرد. نا امنی سرحدات زمینه را برای اتهام زنی دولت های افغانستان و پاکستان فراهم ساخته است.

2-2-1. درگیری های سرحدی

وزارت دفاع ملی افغانستان میگوید که تفاوت نقشه های دست داشته نظامی افغانستان و پاکستان، عامل عمده کشیدگی های مرزی بین دو کشور است. شیر محمد کریمی، لوی درستیز اردوی ملی افغانستان به رادیو آزادی گفت که مشکل نقشه ها یک مسأله استراتژیک است و تا زمانکه این مسأله حل نشود، بالای مسایل تکتیکی تاثیر گذار خواهد بود.^۱ رییس ستاد ارتش کشور می گوید که اسناد و شواهدی کافی در اختیار ما است و این شواهد نشان می دهند که دشمنان مردم افغانستان با حملات راکتی و تانک های زرهی در مناطق مرزی فعالیت دارند.^۲

جنگ های مرزی که پیشتر منجر به کشته شدن شمار از نیروهای افغانستان و پاکستان گردید، انتظار میرفت، پس از دیدار مقامهای دو کشور در تاشکند ازبکستان پایان یابد، اما به تازگی یک مقام ارشد پاکستانی گفته این کشور در تلاش کشیدن حصار در امتداد خط فرضی دیورند است. اسلام آباد می خواهد بعد از تکمیل اعمار پوسته های تفتیش در امتداد سرحد با افغانستان، تمام مرز با آن کشور را حصار بگیرد. هدف ایجاد ساختمان ها در امتداد مرز، مسدود ساختن آن ساحات بوده، بلکه تلاش برای منظم ساختن و ثبت تمام تردد ها از دو جانب مرز بین دو کشور همسایه است تا امنیت و مصونیت افغانستان و پاکستان، تامین گردد. وزارت خارجه افغانستان میگوید دو کشور به توافق رسیدند که

¹ - سرویس خبری آریانا نت، «ادامه راکت پراگنی نظامیان پاکستانی بر روستا های کنر»، ۴ جوزا ۱۳۹۳ <http://www.ariananet.com>

² - وبسایت خبرگزاری آوا پرس، «تجاوز پاکستان به خاک افغانستان از زمین و هوا»، ۱۱ ثور ۱۳۹۵ <http://www.avapress.com>

میکانیسم را برای بررسی اقدامات در خط فرضی دیورند ایجاد کنند و هر اقدام بدون در نظر داشت این میکانیسم، نتیجه جنگ تورخم را در قبال خواهد داشت.^۱

2-2-2. راکت پراگنی ها

از یک ماه به این سو راکت پراگنی از آن سوی خط دیورند بر روستاهای مرزی ولایت کنر از سر گرفته شده است. مقام های محلی نمی دانند که این راکت ها از سوی چه کسانی؛ ارتش و یا شبه نظامیان پاکستانی پرتاب می گردند. هفته گذشته بدنبال فرود آمدن ۵۳ مرمی سلاح سنگین از جانب پاکستان بر روستاهای مرزی ولسوالی نازیان ولایت ننگرهار و ولسوالی های ناری و شیگل ولایت کنر که منجر به کشته شدن چهار غیر نظامی افغان شد، سفیر پاکستان مقیم کابل به وزارت خارجه افغانستان احضار گردید. حکمت خلیل کرزی معین سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان، ضمن ابراز نگرانی و اعتراض از حملات راکتی به سید ابرار حسین سفیر پاکستان در کابل گفت که ادامه این وضعیت بر روابط دو کشور صدمه سنگین وارد خواهند کرد.^۲

حملات راکتی پاکستان به ولسوالی های مرزی افغانستان از چهار سال پیش آغاز شده و از آن زمان تاکنون در مناطق مختلف، گزارش های از حملات راکتی پاکستان به ولسوالی های مرزی این کشور در جنوب و شرق افغانستان منتشر می گردد. وزارت امور خارجه افغانستان چندین بار از دولت پاکستان خواسته که حملات راکتی به ولسوالی های مرزی این کشور را متوقف نماید. دست کم در دو مورد سفیر پاکستان در کابل به وزارت امور خارجه احضار گردید. حملات راکتی پاکستان به افغانستان طی چهار سال گذشته، ده ها کشته و زخمی برجا گذاشته و صدها خانواده افغان را در ولسوالی های ننگرهار و کنر مجبور به ترک منازل شان نموده و خسارات مالی سنگینی به آنان وارد کرده است.^۳ پیشتر

¹ - وبسایت تلویزیون میوند، «پاکستان خط فرضی دیورند را حصار می کشد»، 9 سرطان 1395 <http://www.maiwandtv.com>

² - وبسایت خبری آریانا نیوز، «هیات افغان برای بحث در مورد مسایل مرزی به پاکستان رفت»، 6 اسد 1394

<http://www.darinews.com>

³ - وبسایت خبرگزاری همشهری، «درگیری مرزی نیروهای افغانستان و پاکستان»، 5 ثور 1395 <http://www.hamshahrionline.ir>

از این محمد عمر داودزی، وزیر امور داخله افغانستان نیز به پاکستان هشدار داده که اگر حملات راکتی به افغانستان متوقف نشود، مسوول هرگونه پیامد ناگوار، افغانستان نخواهد بود.^۱

3-2-2. درگیری های شبه نظامیان

همانطور که در مبحث گذشته بحث شد، گروه های متعدد در مناطق سرحدی افغانستان و پاکستان حضور دارند. این گروه ها هم دلیل نا امن سازی سرحدات هستند و هم خود شان به عنوان تهدید علیه فیزیک دولت دو کشور محسوب می گردند. با نبرد هایکه این گروه ها انجام می دهند، سرزمین و جمعیت دو کشور به حد کافی تهدید می گردد. در عین حال در جایکه آنان حضور دارند، حاکمیت سیاسی و قانونی این دو دولت نیز وجود ندارد.

4-2-2. حملات طیارات بی سرنشین

حملات طیارات بی سرنشین امریکایی ها در نوار مرزی افغانستان و پاکستان هراس افکنان و تروریستان را به قدر کافی سرکوب نموده است. در عین حال عملیات امریکایی ها یکی از عوامل تهدید علیه جمعیت و سرزمین دو کشور تلقی می گردد. بر اثر این حملات، دشمنی مردم دو سوی سرحد، بیشتر از پیش افزایش و مردم آنطرف بیشتر فعالیت های تروریستی و خرابکارانه شان را در خاک افغانستان بر علیه دولت این کشور بیشتر افزایش داده اند.

3-2. تجاوزات ارضی

هدف از تجاوزات ارضی و مرزی ادعای خاک یا مشخص تر بگویم، دیورند خواهی نیست، بل اعمار تاسیسات نظامی، در خاک یکدیگر و پیش آمدن نظامیان به هدف تصرف خاک یکدیگر می باشد. از نظر بوزان تجاوزات ارضی یکی دیگر از عوامل است که پایگاه مادی دولت را تهدیدات می کند. عمل کرد های نظامی دو کشور و یا شبه نظامیان افغانستان و پاکستان در سرحدات دو کشور با اعمار قرارگاه های

¹ - وب سایت خبرگزاری آریانا نت، «ادامه راکت پراگنی نظامیان پاکستانی بر روستا های کنر»، ۴ جوزا ۱۳۹۳

نظامی (پوسته ها)، سرزمین و جمعیت دو کشور را تهدید نموده و حتی در برخی موارد به تصرف خاک یکدیگر می انجامد که یکی از این موارد، اعمار تاسیسات نظامی در سرحدات می باشد.

1-3-2. اعمار تاسیسات نظامی

کندن خندق های مرزی در دوره کرزی، جابجا ساختن مهاجرین وزیرستانی در پکتیا، تجاوز آشکار و غضب زمین در ولسوالی های سرحدی مانند گوشته و حسارک، کنترل مکمل بالای گمرکات افغانستان، مداخله در سیاست خارجی و ارتباطات افغانستان با هند، تاسیسات مکاتب پاکستانی در پکتیا و کندهار، توضیح شناسنامه اجباری پاکستانی و رایج ساختن پول کلدار در مناطق سرحدی مثال های دیگری از این تجاوز نظامی و فرهنگی پاکستان می باشند.

این همه در حالیست که پاکستان در هفته گذشته قصد ساختن یک دروازه ایمنی در داخل افغانستان و در ۳۳ متری مرز تورخم را داشت که مورد حمله ارتش افغانستان قرار گرفت. به همین ترتیب ماه قبل پاکستان بصورت آشکار پس از تصرف خاک افغانستان تاسیسات نظامی (انگور اده) را که مربوط به ولایت پکتیا است به افغانستان پس داد. اما تحویل کنندگان آن بدست محکمه سپرده شدند و پاکستان یک سیگنال آشکار به افغانستان داد که از تاسیسات نظامی در خاک افغانستان، دست بر نمی دارد. همین صبح امروز نیز تعدادی از بزرگان ولایت پکتیا به رسانه ها شکایت کرده اند که ارتش پاکستان در نقطه های صفری ولسوالی پت تان پکتیا تاسیسات نظامی جدید می سازند.¹

4-2. جنبش های جدایی طلب

یکی از عناصر مهم که بوزان به آن به عنوان تهدید علیه فیزیک دولت می داند، جنبشهای جدایی طلب و استقلال طلب می باشد. بوزان استدلال می کند، در کشور هایکه این جریانها وجود داشته باشند، زمینه برای مداخلات خارجی های فرصت طلب فراهم می گردد. هر چند که در افغانستان جنبش های استقلال طلب وجود ندارد، اما خارج از تصور هم نمی تواند باشد. چون زمانی که جدایی طلبان بلوچ و

¹ - ویب سایت خبرگزاری نوای آزادی جاویدان، «آیا پشتون های پاکستان واقعا خواهان جدایی از پاکستان هستند؟»، 16 جون 2016

پشتون، خواهان استقلال و کشورهای مستقل باشند، بدیهی است که بلوچ ها و پشتون های افغانستان نیز با آنان یکجا می شوند و کشورهای مستقل خود شان را می سازند. اینجاست که سرزمین و جمعیت افغانستان در معرض نابودی قرار می گیرد.

چنانچه طرح امریکا برای کشور مستقل بلوچستان از میان اقوام بلوچ افغانستان، ایران و پاکستان تشکیل و تدوین گردیده است. بر این اساس جنبش های جدایی طلب بلوچ و پشتون نه تنها که برای پاکستان یک تهدید بشمار می آید، بلکه برای پایگاه مادی دولت افغانستان نیز یک تهدید جدی به شمار می رود.

1-4-2. جدایی طلبان بلوچ

در بین نیروهای سیاسی بلوچ دو جبهه ایجاد شده است. یک جبهه معتقد بودند که باید از طریق سیاسی و مذاکره و شرکت در چارچوب حکومت ایالتی به حق و حقوق مردم توجه شود و گروه دیگری که معتقد بودند پاکستان این ظرفیت را ندارد که حق و حقوق مردم بلوچ را بدهد و باید به دنبال اعلام استقلال و تشکیل کشور مستقل باشند. این جریان تا سال ۱۹۷۵ ادامه داشت. در این سال بحران بنگلادش پیش آمد و جنگ شدیدی میان گروه های ناسیونالیست وابسته به حزب عوامی لیگ با ارتش پاکستان درگرفت. این جنگ با دخالت هند و شکست ارتش پاکستان منجر به استقلال بنگلادش شد. بدنبال آن، با توجه به اینکه روسها هم در افغانستان به دنبال منافی بودند، گروه های استقلال طلب در موقعیت نسبتاً قوی تری از گروه هایی قرار گرفتند که معتقد بودند میتوان در چارچوب فدرال مطالبات خود را دنبال کنند. البته در انتخابات آزادی که برگزار شد، گروه های ناسیونالیست و قوم محور بلوچ، حکومت ایالتی را بردند و حکومت تشکیل دادند. اما بعد ذوالفقار علی بوتو زیر بار این مسئله نرفت و بعد از مدتی حکومت را منحل کرد و حکومت بلوچستان از مرکز تعیین شد. در همان زمان این دو اندیشه به موازات هم پیش رفتند. اما آن چه در سالهای اخیر رخ داده باعث شد که تقریباً جناح معتقد به فرایند سیاسی کاملاً تضعیف شده است. آنها نسبت به اینکه ساختار قدرت در پاکستان به گونه ای باشد که بتوانند در یک حکومت فدرال واقعی حضور داشته باشند ناامید شده اند. به خصوص بعد از آن که

پرویز مشرف، دستور کشتن اکبر خان بکتی را صادر کرد، تقریباً جناحی که طرفدار مبارزات مسالمت آمیز بود، منزوی شد و جایگاهی برای طرح خود پیدا نکرد. در حال حاضر ارتش آزادی بخش خلق بلوچ در این منطقه حرف اول را می زند که معتقد است باید با توسل به جنگ مسلحانه به حقوق خود برسد. جنگی که در حال حاضر در بلوچستان جریان دارد، یک جنگ قومی است که نتیجه سیاست های تمرکزگرای دولت مرکزی است. بلوچستان نزدیک به نیمی خاک پاکستان را تشکیل می دهد اما به لحاظ جمعیتی، جمعیت کمی دارد. منابع زیر زمینی گاز و نفت فراوانی در اختیار دارد. روسها بعد از آن که به افغانستان حمله کردند، علاقه داشتند که بلوچستان جدا شود و یک حکومت کنفدرال از بخشی از افغانستان و بلوچستان و پشتونستان و بخشی از ایران ایجاد شود. اما بعد ها که روسها شکست خوردند و از افغانستان خارج شدند، امریکایی ها در منطقه وارد شدند. آن ها هم علاقمند بودند که تغییراتی در منطقه ایجاد شود. کنگره امریکا با تلاش لابی بلوچ فعال در امریکا، لایحه ای تصویب کرده که میتوان از آن اینگونه برداشت کرد که در نهایت امریکا علاقمند به جدایی بلوچستان پاکستان است. اما می توان به این اقدام از وجه دیگری نیز نگاه کرد و آن هم تحت فشار گذاشتن دولت پاکستان برای تغییر رفتار است. تجزیه پاکستان به نفع هند است. چون تجزیه پاکستان قدرت این کشور را تضعیف می کند.^۱ به همین دلیل پاکستان از حضور هند در ولایتهای مرزی افغانستان نگران است.

2-4-2. جدایی طلبان پشتون

دولت پاکستان که مدیران سیاسی و نظامی آن پنجابی ها هستند، برای ادامه حاکمیت شان با پشتونها و بلوچ های جدایی طلب رو برو است. جدایی طلبان پشتون و بلوچ در صدد ایجاد یک دولت پشتونی هستند که برای تحقق این هدف تجزیه پاکستان و افغانستان الزامی است. طرح ایجاد دولت پشتونستان بزرگ، در زمان تجزیه شبه قاره هندوستان، از سوی انگلیس به عبدالغفار خان پیشنهاد شد، اما این طرح یک تاکتیک انگلیسی ها بود که به هدف تسریع تجزیه هندوستان بکار برده شد و بعد از تجزیه شبه قاره انگلیسی ها به هدف خود رسیدند.

¹ - پیر محمد، ملازهی، «زمزمه های تجزیه در پاکستان: چه کسی می خواهد بلوچستان مستقل شود؟»، دیپلماسی ایران، 13 دلو 1391

در حال حاضر، تیم پشتون‌نویست دولت کرزی، افغانستان را به میدان بازی های خطرناکی تبدیل کرده است. از یک طرف پشتون‌های جدایی طلب پاکستان را حمایت می کند و از سوی دیگر، طالبان را که ساخته و پرداخته سازمان استخبارات پاکستان است، از ردیف تروریستان جدا می کند. بازی که هر دو رویش امنیت و ثبات افغانستان و پاکستان را به مخاطره انداخته است.^۱ مسأله جدایی طلبی پشتونها ریشه تاریخی دارد و از این مسئله دولتهای افغانستان-پاکستان، استفاده ابزاری و سیاسی نموده اند. بی خبر از آن که یک روزی ثمره منفی اهداف شان را در قبال این مسأله خواهند دید. لذا هر ازگاهی رهبران سیاسی پشتون از وضعیت شان ناراض بودند. این نارضایتی ها بیشتر در زمان انتخابات پارلمانی صورت گرفته است که به باور آنان تمام اداره حکومت نظامی و غیر نظامی به دست پنجابی ها قرار دارد.

3: کشت و قاچاق مواد مخدر تهدید مشترک علیه نهاد های دولت افغانستان و پاکستان

اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد برای افغانستان گفت، مبارزه با مواد مخدر برای امنیت، توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی افغانستان موثر است و باید تلاش های منطقه ای در این زمینه صورت گیرد.^۲ سالانه 1500 تا 2000 تن تریاک در ده ها آزمایشگاه مدرن و دور از دسترس دولت های افغانستان و پاکستان به هیروین و مورفین تبدیل می شود و از طریق ایران به اروپا ترانزیت می گردد.^۳ سزار گوویدز نماینده اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در اسلام آباد، در باره ترانزیت مواد مخدر در جهان گفت: پاکستان اصلی ترین کشور برای ترانزیت مواد مخدر به سایر نقاط جهان است. وی افزود: شهر کراچی مسیر کلیدی عبور مواد مخدر محسوب می شود. گوویدز تصریح کرد که حدود ۴۳ درصد مواد مخدر افغانستان از مسیر پاکستان قاچاق می شود.^۴

^۱ - وب سایت خبرگزاری افغان تریبون، «پشتون ها در دو جبهه»، 11 مارچ 2009 <http://aftribune.blogspot.com>

^۲ - وب سایت خبرگزاری شفقنا افغانستان، «وزارت مبارزه با مواد مخدر: 300 میلیون دالر هزینه خرید مواد مخدر توسط معتادان»، 18 عقرب 1392 www.afghanistan.shafaqna.com

^۳ - نطق افتتاحیه نماینده ایران در اجلاس مشترک کشورهای عضو اگو و سازمان های تخصصی بین المللی مواد مخدر، تهران، عقرب 1374.

^۴ - خبرگزاری تسنیم، «پاکستان اصلی ترین مسیر ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به کشورهای جهان»، ۳ سنبله ۱۳۹۵

<http://www.tasnimnews.com>

درآمد حاصله از مواد مخدر در افغانستان به سه میلیارد دالر در سال میرسد و این در مقایسه با کل درآمد افغانستان، رقمی است که تمام اقتصاد کشور را تحت شعاع خود قرار می دهد و در حقیقت این مبلغ، شش برابر کل بودجه سالانه دولت افغانستان می باشد.¹ گزارشات ملی و بین المللی نشان می دهد که عواید مالی مواد مخدر یکی از منابع مهمی تمویل فرماندهان محلی، باندهای قاچاق مواد مخدر و شبکه های تروریستی در افغانستان و پاکستان می باشد. در هفده سال گذشته تمام این آمدها در دستانی این گروه ها بوده که توانسته بطور مستقیم و غیر مستقیم نهادهای دولت افغانستان و پاکستان را مورد تهدید قرار دهند.

بر اساس نظریه بوزان تهدیدات علیه نهادهای دولتی، از داخل و خارج متوجه عناصر شکل دهنده نهادهای دولتی می باشد. با درک این مسأله باید گفت که افراد و جریان های که از طریق تجارت و کشت مواد مخدر تغذیه می گردند، عملاً نهادهای دولتی افغانستان و پاکستان را تهدید می کنند. ممکن است شدت تهدیدات در یک کشور کمتر و در کشور دیگر بیشتر باشد. بوزان در این مورد مثال دولت قوی و ضعیف را بیان کرده میگوید تهدید علیه دولت قوی، کمتر و علیه دولت ضعیف، بیشتر می باشد. پاکستان به عنوان دولت قوی و افغانستان دولت ضعیف، احتمال دارد که آسیب پذیری شان بیشتر و کمتر باشند. این پژوهش به مقایسه ای تهدیدات نیست که کدام کم تر و کدام بیشتر تهدید میگردد. این مورد به منظور تذکر داده شد که گویا پاکستان از این ناحیه تهدید نمی شود، به همان اندازه که ما مورد تهدید هستیم، پاکستان نیز مورد تهدید قرار دارد.

فرماندهان محلی، قاچاقبران مواد مخدر، باندهای مافیایی و شبکه های تروریستی از نحله های به شمار می روند که توسط پول سیاه مواد مخدر تغذیه و تهدیدات سخت ابزاری و نرم ابزاری را علیه نهادهای دولتی افغانستان و پاکستان در نقاط مختلف اعمال نموده اند. حوزه تهدیدات این جریان ها در نهادهای مانند: در قوه مقننه، علیه قوانین، وکلا، سناتوران، فیصله های این نهاد، کارمندان و ساختمان شورای ملی، در قوه قضاییه، علیه استره محکمه، محاکم، قضات و کارمندان قوه قضاییه و در قوه مجریه

¹ - جاوید، ابولقاسم، «مواد مخدر و قدرت»، وبسایت سازمان بامیان، <http://bamyang.org.au> 2005

علیه قوانین، فرامین، سارنوالان، نیروهای ارتش ملی و پولیس ملی، راهبردهای نظامی، طرحهای امنیتی، کارمندان، محافظان و ساختمان های این نهاد را در افغانستان و پاکستان مورد تهدید قرار داده اند. این تهدیدات هم به شکل سخت ابزاری مانند انفجار، انتحار، ترور و تهاجم مسلحانه صورت می گیرد و هم به شکل نرم ابزاری مانند جاسوسی، نفوذ، اعمال فشار و اعمال کارها و فشارهای غیر قانونی علیه نهادهای این دو کشور انجام گردیده است. در پایین به برخی از این جریان ها اشاره می گردد.

3-1. فرماندهان محلی

به گزارش خبرگزاری خاورمیانه، محمد کبیر اندرابی فرمانده پولیس ولایت نیمروز، زمانیکه می خواست میدان هوایی کابل را به مقصد ولایت نیمروز ترک نماید، توسط پولیس خاص مبارزه علیه مواد مخدر دادستانی کل کشور، بازداشت گردیده است.¹ شماری از نمایندگان شورا های ولایتی هلمند می گویند: برخی از ولسوال ها و فرماندهان محلی در کشت و قاچاق مواد مخدر دست دارند. وزارت مبارزه با مواد مخدر با تاکید این مسئله گفت: افغانستان در سال جاری بلند ترین آمار کشت و تولید مواد مخدر را در میان سال های پسین داشته است. بخاطری که شماری از نمایندگان مردم در مجلس و نیز روسای شورا های ولایتی در جنوب کشور دست اداره های محلی را در زرع این پدیده دخیل میدانند. رییس شورای ولایتی هلمند میگوید: «کارهای اساسی برای بدیل سازی کشت مواد مخدر در افغانستان صورت نگرفته است و برخی ولسوال ها و زورمندان نیز در کشت و قاچاق مواد مخدر نقش گسترده دارند». یک عضو مجلس نمایندگان میگوید: «مبارزه کنونی با مواد مخدر ناکام است زیرا هر سال کشت و زرع مواد مخدر در حال افزایش است و برخی از ولسوالها و فرماندهان محلی از قاچاقبران مواد مخدر پول می گیرند». وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان به این باور است که قاچاقبران اصلی مواد مخدر در خارج از کشور هستند و زیر دستان خود را در افغانستان استخدام کرده و از آنان سود می برند.²

¹ - وب سایت خبرگزاری خاورمیانه، «فرمانده پولیس نیمروز به جرم قاچاق مواد مخدر در کابل بازداشت شد»، ۱ سنبله ۱۳۹۲

<http://middleeastpress.com>

² - وب سایت خبری آریانا نیوز، «برخی از ولسوال ها و فرماندهان محلی در کشت و قاچاق مواد مخدر دست دارند»، 11 مارچ 2015

<http://ariananews.af>

این افراد در افغانستان و پاکستان به ویژه در مناطق خود شان، از جایگاه خاص برخوردار هستند. این اشخاص از تجارت کشت و قاچاق مواد مخدر پول های هنگفتی را دریافت و به انواع مختلف نهاد های دولتی افغانستان و پاکستان را بطور مستقیم و غیر مستقیم تهدید نموده اند. بعد سال ۲۰۰۱ میلادی، بیشترین مسوولیت های کشت و قاچاق مواد مخدر بدست رهبران قبایل و فرماندهان محلی افتاد. از این طریق خود شان را تغذیه و به نهادهای دولتی فشار وارد می نمایند.

2-3. قاچاقبران مواد مخدر

منبع مالی تولید مواد مخدر در نوار مرزی افغانستان و پاکستان، ماشین جنگی گروه های ضد دولت این دو کشور را به حرکت درآورده است. قاچاقبران مواد مخدر برای ادامه تجارت شان، برخی گروهک های ضد دولت را حمایت مالی می کنند.^۱ از آنجاییکه فعالیت های قاچاق از دید همگان پنهان و مرموز است، گزارشاتی مشخص و مستقیمی هم در این باره در دسترس همه قرار ندارد. بدین اساس برای جمع آوری معلومات به ارگان های امنیتی و کشفی افغانستان استناد می نمایم.

وزارت مبارزه با مواد مخدر می گویند، در سال ۱۳۹۱ خورشیدی بیش از سه هزار قاچاقبر مواد مخدر را بازداشت کرده اند. از این میان پنج صد تن آنان از قاچاقبران بزرگ مواد مخدر هستند. به گفته این وزارت هشت نفر دیگر آنان با گروه های تروریستی رابطه نزدیک داشته اند.^۲ معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله گفته که نیروهای این اداره، موفق به دستگیری دو قاچاقبر بزرگ مواد مخدر بنام های حاجی عبدالقیوم، معروف به لالاجان از ولایت ننگرهار و حاجی لونگ، از ولایت هلمند با مقدار زیادی مواد مخدر بازداشت شده اند. در عین حال ضرار احمد مقبل وزیر مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد که شماری از مقام های دولتی نیز در کشت و قاچاق مواد مخدر دست دارند.^۳ رابطه مافیای مواد مخدر با بلند پایگان دولتی، حمایت برخی از گروه های مسلح و زورگو از قاچاقبران، فساد اداری

^۱ - مصاحبه با یونس قانونی، «بازسازی افغانستان ناکام بوده است»، وبسایت خبرگزاری فارس نیوز، 23 جدی 1386

<http://www.farsnews.com>

^۲ - وبسایت خبرگزاری افغانستان شفقنا، «وزارت مبارزه با مواد مخدر: 300 میلیون دالر هزینه خرید مواد مخدر توسط معتادان»، پیشین.

^۳ - وبسایت خبرگزاری بخدی، «قاچاقبران مواد مخدر در افغانستان لابراتوارهای خود را به پاکستان انتقال دادند»، ۲۸ سنبله ۱۳۹۲

<http://bokhdinews.af>

و رشوه ستانی برخی از مسوولان امنیتی در مرزهای کشور از باندهای مافیایی از جمله مواردی هستند که همواره حکومت افغانستان با این اتهامات روبرو بوده است.^۱ معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله، در یک نشست خبری گفت که حاجی جمعه خان، حاجی غلام حسن و میرولی از جمله سه قاچاقبر بزرگ بین المللی اند که در تمویل گروه های تروریستی در افغانستان نقش داشته اند، دستگیر نموده ایم.^۲ کشته شدن قاضیان، نیروهای امنیتی و سارنوالان دفتر عدلی و قضایی ویژه مبارزه با مواد مخدر، نگرانی از افزایش توانایی های مافیای مواد مخدر در راستای به چالش کشیدن مبارزه در برابر این بته مرگبار را افزایش داده است.^۳

تلاش زیادی صورت گرفت که از پاکستان نیز مثال داشته باشیم، اما منبع معتبر دریافت نمودیم. لذا اوضاع نابسامان پاکستانی بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی خود بیانگر آن است که این کشور از این بابت نیز تحت فشار قرار دارد و تهدید می گردد. به هر صورت، سرازیر شدن پول سیاه مواد مخدر زمینه را برای حملات مرگبار انفجاری، انتحاری، فساد اداری، رشوه ستانی، ناکارآمدی، معافیت و رهایی قاچاقبران، ترور قاضیان و سارنوالان و بی باوری مردم نسبت به قوانین افغانستان و پاکستان را فراهم ساخته است.

3-3. شبکه های تروریستی

دفتر بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (SIGAR) در سال ۲۰۱۳ میلادی، گزارش خود اعلام کرده که با وجود مصرف ۷,۶ میلیارد دلار برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، میزان تولید مواد مخدر در این کشور بیشتر از گذشته افزایش یافته است. در نامه که این نهاد برای وزارت خارجه و عدلیه امریکا نوشته، آمده است که تولید مواد مخدر در افغانستان باعث فساد در دستگاه دولت، تقویت شبکه های تروریستی و فراهم سازی منابع مالی برای نیروهای مخالف دولت از جمله گروه طالبان شده است. سیگار افزود که افزایش میزان کنونی مواد مخدر، موثریت و پایداری تمام تلاش های را که در

^۱ - جاوید، روستاپور، «مبارزه با مواد مخدر؛ داستانی همچنان بی سرانجام»، وب سایت خراسان زمین، 10 قوس 1390

<http://www.khorasanzameen.net>

^۲ - وب سایت خبرگزاری اسپوتنیک دری، «سه قاچاقبر بزرگ مواد مخدر در افغانستان بازداشت شدند»، 10/8/2016

<https://dari.sputniknews.com>

^۳ - همان.

گذشته انجام شده، زیر سوال می برده است.^۱ با وجود ده سال مبارزه بر ضد مواد مخدر و کشت خشخاش در افغانستان، این پدیده همچنان به عنوان یک تهدید بزرگ و منبع تمویل هراس افگنان به شمار می‌رود.^۲ در یک گزارش تازه ی که از سوی اداره جرایم و مواد مخدر سازمان ملل نشر شد، آمده است که تولید مواد مخدر افغانستان، در سال ۲۰۱۱ میلادی بیشتر از شصت و یک درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است که به اساس این بررسی، افغانستان در سال جاری میلادی، پنج هزار و هشت صد تن تریاک تولید کرده است و هزینه بیشتر از 65 درصد آن به جیب هراس افگنان رفته است.^۳ بر اساس گزارش ها جریانهای تروریستی توسط پول سیاه مواد مخدر تغذیه و موجب تهدید علیه نهادهای دولت افغانستان و پاکستان گردیده اند. در مبحث نخست در این مورد بحث مفصل گردید.

نتیجه گیری

آنچه خواننده آمدم، تروریسم به عنوان تهدید مشترک علیه ایده دولت، ناامنی سرحدات تهدید مشترک علیه پایگاه مادی دولت و کشت و قاچاق مواد مخدر تهدید مشترک علیه نهادهای دولت جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان، تحلیل و تبیین گردید. لذا در تحقیق حاضر در پی شناسایی معضل روابط سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان بودیم که خوشبختانه این معضل در طی سه مبحث شناسایی گردید که تروریسم، ناامنی سرحدات و کشت-قاچاق مواد مخدر از عوامل اساسی معضل این دو کشور شناخته شد. یافته های تحقیق نشان داد که بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی، این سه مورد بیشتر از همه بر روابط سیاسی این دو کشور تاثیر گذاشته است. در نهایت پاسخ به پرسش اصلی تحقیق این شد که وابستگی متقابل امنیتی بر روابط سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و پاکستان تاثیر منفی داشته

^۱ - وب سایت خبرگزاری بی بی سی فارسی، «هفت میلیارد دلار مصرف شد اما تولید مواد مخدر افغانستان افزایش یافته، 21 اکتبر 2014-29

مهر 1393 <http://www.bbc.com>

^۲ - جاوید، روستاپور، پیشین.

^۳ - همان.

است. بر این اساس فرضیه اصلی تحقیق نیز ثابت گردید. در عین حال چارچوب نظری باری بوزان نیز توانست روابط پر تنش این دو کشور را توصیف و تبیین نماید.

با افزایش تهدیدات تروریستی، نا امنی سرحدات و قاچاق مواد مخدر، مقامات دو کشور بلافاصله کشور مقابل خود را متهم به دست داشتند به تهدیدات نمود. همه این موارد سبب شد که مناسبات و روابط سیاسی دو کشور رو به تیرگی سوق یابد و استراتژی های سیاسی دو کشور در کوتاه مدت قطع و تعلیق گردد. هدف اساسی چارچوب نظری تحقیق این بود که تصمیم گیران دولت افغانستان و پاکستان در سیاستگذاری های داخلی شان امنیت و منافع یکدیگر را در نظر نگرفته اند. در نتیجه تهدیدات افزایش و روابط سیاسی دو کشور خصمانه گردید. لذا انتظار می رود هر دو کشور برای چالشهای امنیتی راه حل سنجیده و در سیاست گذاری های داخلی شان امنیت ملی همدیگر را در نظر گیرند. چون در شرایط امنیتی و صلح آمیز این دو کشور بهتر می توانند، به تحقق اهداف و منافع ملی و فراملی شان برسند.

فهرست منابع

الف: کتب

1. امامی، حسام الدین: *افغانستان و ظهور طالبان*، تهران، شاب، 1378.
2. انصاری، بشیر احمد: *مذهب طالبان*، کابل، 1391.
3. احمد، رشید: *سقوط در هرج و مرج، ایالات متحده و شکست ملت سازی در پاکستان، افغانستان و آسیای میانه*، مترجم، حسن رضایی، کابل، شرکت کتاب شاه محمد، 1389.
4. بورک، اس.ام. لارنس زایرینگ: *تاریخ روابط خارجی پاکستان*، مترجم، ایرج وفایی، تهران، کویر، 1377.

5. بوزان، باری: مردم، دولت ها و هراس، مترجم، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ 1، 1991.
6. بهاره، سازمند: سیاست خارجی قدرت های بزرگ، تهران، موسسه فرهنگی و مطالعات تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، 1390.
7. جعفری، محمد موسی: مدیریت بحران امنیت افغانستان توسط ایالات متحده امریکا و قدرت یابی مجدد طالبان، ایران، دانشگاه تهران، 1391.
8. دوپری، لوئیس: افغانستان: تاریخ و جغرافیا، مترجم، جعفر رسولی، ایران، چاپخانه علمیه، 1379.
9. روحانی، حسن: آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران، ایرانسال، ۱۳۸۸.
10. سجادی، سید عبدالقیوم: گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پساطالبان، قم، دانشگاه علوم سیاسی مفید، ۱۳۸۸.
11. شریعت پناهی، ابوالفضل قاضی: بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستری چ ۱، ۱۳۷۵.
12. طلوعی، محمود: فرهنگ جامع سیاسی، تهران، نشر علم، چ ۲، 1377.
13. عادل، زکیه: شورای امنیت ملل متحد و تحولات افغانستان از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی سابق تا اولین انتخابات ریاست جمهوری، تهران، عرفان، 1387.
14. عالم خیل، عبدالقادر: نگاهی به پاکستان، کابل، مرکز مطالعات استراتژیژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، 1390.
15. عزتی، عزت الله: ژئوپولتیک در قرن بیستم و یکم، تهران، سمت، 1380.
16. عالم، عبدالرحمان: بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، 1373.
17. غبار، میر غلام محمد: افغانستان در مسیر تاریخ، تهران، انقلاب، ج ۱، 1368.
18. فرمانیان، مهدی: پراکندگی سلفی گری و وهابیت در جهان اسلام، قم، موسسه مطالعات بنیان دینی، 1393.
19. ویلیام، گودوین: پاکستان، مترجم، فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، 1383.
20. نیک بین، امیر حسین: جغرافیای سیاسی آسیای جنوبی (هند، پاکستان و افغانستان)، تهران، زیتون سبز، 1391.
21. مقیمی، غلام حسن: مشروطیت، جمهوریت، اسلامیت، تهران، نشر معناگرا، 1385.

22. نظیف کار، غزاله و حسین نوروزی، *بر آورد استراتژیک پاکستان*، تهران، شاب، 1378.

ب: مقالات

23. پیشگامی فرد، زهرا و امیر قدسی، *بررسی و تحلیل ویژگی های ژئوپلیتیک پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها*، پژوهش های جغرافیایی، شماره 63، 1387.

24. تصدیقی، بهروز، *تاریکخانه های اقتصادی و پول های سیاه*، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره 37، 1391.

25. جاوید، ابولقاسم، *مواد مخدر و قدرت*، وب سایت سازمان بامیان، 2005.

26. *جزوه درسی نگاهی به جنبش های اسلامی معاصر*، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، سال تحصیلی 2011.

27. حکیمی، عزیز، *چرا طالبان پاکستان تروریست و طالبان افغانستان تروریست نیستند؟*، خبرگزاری شفقنا افغانستان.

28. روستاپور، جاوید، *مبارزه با مواد مخدر؛ داستانی همچنان بی سرانجام*، وب سایت خراسان زمین، 10 قوس 1390.

29. سمبل، مالک ایوب و رسول رحیم، *مدارس پاکستانی، تهدید بزرگ امنیتی برای افغانستان*، خبرگزاری دویچه وله دری، 2014.

30. سگن، پاراک، *آمایش سرزمین*، فصلنامه گفتگو، شماره 20، سال پنجم، تابستان 1377.

31. شفیع، نودر، زهرا ثالثی و اقدس اقبال، *بستره و زمینه های موثر در تکوین و گسترش طالبان پاکستانی*، فصلنامه آفاق امنیت، شماره هفتم، سال سوم، 1389.

32. صراف یزدی، غلام رضا، *جواد نجات و محسن صبری، ساختار قدرت در پاکستان و علل نا پایداری سیاسی آن*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم، خزان 1390.

33. کوثر، نورالله، *اسلام و دموکراسی*، وب سایت رسمی نورالله کوثر، 25 مارچ 2016.

34. موسوی خوئینی ها، سید محمد، *مفهوم حکومت دینی*، وب سایت موسسه پژوهشی فرهنگی فهیم، 1392.

35. مجلسی، فریدون، *آیا بحران پاکستان، منطقه را به آشوب می کشد؟*، وب سایت دیپلماسی ایرانی، 16 میزان 1390.

36. محمد، محق، *داعش در افغانستان چه می کند؟*، خبرگزاری بی بی سی، 23 جنوری 2017 / 4 حوت 1395.

37. مهدی نژاد، سید رضا، قومیت و مذهب، پیچیدگی های جامعه افغانستان، وب سایت پایگاه حوزه، ۱۳۸۴.
38. مهربان، احمد، جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان، فصلنامه راهبرد، شماره 48، خزان، 1387.
39. ملازهی، پیرمحمد، زمزمه های تجزیه در پاکستان: چه کسی می خواهد بلوچستان مستقل شود؟، دیپلماسی ایران، 13 دلو 1391.
40. محمودیان، آرمان، پایان رفاقت و آغاز خصومت، وب سایت روزنامه شرق، ۱۳۹۴.

ج: مصاحبه

41. نطق افتتاحیه نماینده ایران در اجلاس مشترک کشورهای عضو اکو و سازمان های تخصصی بین المللی مواد مخدر، تهران، عقرب 1374.
42. مصاحبه با یونس قانونی، «بازسازی افغانستان ناکام بوده است»، وب سایت خبرگزاری فارس نیوز، 23 جدی 1386.

ج: روزنامه ها، خبرگزاری ها و وب سایت ها

43. روزنامه ماندگار، 1392.
44. خبرگزاری دویچه وله دری، <http://www.dw.com>
45. خبرگزاری رها، <http://rahapress.af>
46. خبرگزاری آرمان ملی، <http://armanemili.com>
47. سرویس خبری آریانا نت، <http://www.ariananet.com>
48. خبرگزاری آوا پرس، <http://www.avapress.com>
49. خبرگزاری همشهری، <http://www.hamshahrionline.ir>
50. خبرگزاری افغان تریبون، <http://aftribune.blogspot.com>
51. خبرگزاری تسنیم، <http://www.tasnimnews.com>
52. خبرگزاری خاورمیانه، <http://middleeastpress.com>
53. خبرگزاری اسپوتنیک دری، <https://dari.sputniknews.com>
54. خبرگزاری بی بی سی فارسی، <http://www.bbc.com>
55. خبرگزاری بخدی، <http://www.bokhdinews.af>
56. خبرگزاری دری نیوز، <http://www.darinews.com>
57. خبرگزاری بولتن ایران، <http://boultan.ir>

58. <http://www.bazarkhabar.ir>، خبرگزاری بازار ایران،
59. <http://www.mehrnews.com>، خبرگزاری مهر نیوز،
60. <http://www.farsnews.com>، خبرگزاری فارس،
61. <http://www.afghanpaper.com>، شبکه اطلاع رسانی افغانستان،
62. <https://fa.wikipedia.org>، دانشنامه آزاد ویکی پیدیا،
63. <http://wikifeqh.ir> «پاکستان» ویکی حوزوی ویکی فقه،
64. <http://www.darinews.com>، ویب سایت تلویزیون آریانا نیوز،
65. <http://www.farda.af>، ویب سایت تلویزیون راه فردا،
66. <http://supremecourt.gov.af>، ویب سایت ستره محمکه دولت جمهوری اسلامی افغانستان،
67. <http://mod.gov.af>، ویب سایت وزارت دفاع ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان،
68. <http://moi.gov.af>، ویب سایت وزارت امور داخله دولت جمهوری اسلامی افغانستان،
69. <http://jawedan.com>، ویب سایت نوای آزادی جاویدان،
70. <http://mcn.gov.af>، ویب سایت وزارت مبارزه با مواد مخدر،
71. <http://ago.gov.af>، ویب سایت لوی څارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان،
72. <http://asrdiplomacy.ir>، ویب سایت عصر دیپلماسی،
73. <http://www.maiwandtv.com>، ویب سایت تلویزیون میوند،

ذ: انگلیسی

1. Website: supreme court of pakestan, 2017 <http://www.supremecourt.gov>
2. Rubinstein, Nicolai. "Machiavelli and Florentine Republican Experience." in Machiavelli and Republicanism Cambridge University Press, 1993
3. Farmer, B.H. "Pakestan Physical and Social Geography", South Asia, 2010, P, 527
4. Website Stanford University(MAPPING MILITANT ORGANIZATIONS),"the Taliban" July 15, 2016, <http://web.stanford.edu>